

شهید حسین خدادادی



از بشارت علی
سازمان جامع سرواران و دهستانهای استان بوشهر

نام پدر	محمد
تاریخ تولد	۱۳۴۲/۰۴/۱۱
محل تولد	بوشهر - دشتستان
تاریخ شهادت	۱۳۶۱/۰۶/۳۰
محل شهادت	کوشک
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	بسیج
شغل	—
تحصیلات	پنجم ابتدایی
مدفن	برازجان

زندگینامه

زندگینامه شهید

شهید حسین خدادادی فرزند محمد در تاریخ ۱۱/۴/۱۳۴۲ در شهر مذهبی برازجان به دنیا آمد. حسین در خانواده ای مذهبی بزرگ شد و پرورش یافت ایشان از همان کودکی به اهل بیت عصمت و طهارت اعتقاد و علاقه داشت. دوران کودکی را به مکتب خانه رفت تا با اصول دین مبین آشنا گردد. وی وارد دوره نوجوانی عمر پر برکت خویش شده بود که انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی به پیروزی رسید ایشان در جریان مبارزات حضور مستمر داشت و در مدرسه همکلاسی ها را تشویق به شرکت در تظاهرات می نمود ایشان خویش در پخش اعلامیه بر علیه رژیم طاغوت نقش بسزایی داشت و در این راستا همت وافیه از خویش نشان می داد. بعد از پیروزی انقلاب به رهبری امام خمینی آن بت شکن بزرگ تاریخ به فرامین امام خمینی سر اطاعت نهاد و به عضویت بسیج در آمد و در پایگاه مقاومت مالک اشتر شروع به فعالیت نمود. حسین خدادادی فردی گوشا و فعال بود همیشه در نماز جمعه و جماعات شرکت می نمود و دیگران را در شرکت نمودن در نماز جمعه و جماعات تشویق می نمود. شهید حسین خدادادی با شروع جنگ تحمیلی در سال ۱۳۵۹ به جبهه های جنگ شتافت. تا شاید با رشادتهای خویش در این میدان هم پوزه دشمن کافر را به خاک بمالد. وی نه تنها خویش به میدان نبرد حق بر علیه باطل می رفت در صحنه کارزا به نبرد می پرداخت بلکه دیگر دوستان و بچه های محله را نیز به رفت به جبهه تشویق می نمود. او در عین حالی که خودش متأهل بود بارها به جبهه رفت و در میادین نبرد بر علیه صدامیان کافر جنگید. شهید حسین خدادادی در نهایت در تاریخ ۳۰/۴/۶۱ در منطقه عملیاتی کوشک مورد اصابت ترکش قرار گرفت و بر اثر جراحات وارده به بدن ایشان به درجه رفیع شهادت نائل آمد.

وصیت نامه

من المومنین رجال صدقوا ما عاهدوا^۱ علیه فمنهم من قضی نحبه منهم ومن ینتظر وما بدلوا تبديلا

اینجانب حسین خدادادی فرزند محمد ساکن روستای تل اشکی متولد ۱۳۴۴ در حالی که دارای دو فرزند همسر مادر می باشم و بنا به وظیفه شرعی خود و به منظور لبیک گفتن به ندای امام عزیزم خمینی کبیر برای پاسداری از اسلام و دفاع از مرز و بوم کشور اسلامی ایران به جبهه حق علیه باطل به همراه دیگر برادران رزمنده ام روانه میگردم تا شاید بتوانم خدمت ناچیزی به این انقلاب و اسلام عزیز انجام داده باشم . اگر در این راه شهادت نصیب گردید از مادر و همسر می خواهم که فرزندانم را به نحو شایسته تربیت و پرورش نمایند و از برادرانم می خواهم که از بازماندگانم بنحو مطلوب مواظبت و نگهداری نمایند و از تمامی برادران و خواهران و خویشان خود می خواهم همواره پس از نماز های یومیه دعای طول عمر با عزت برای امام عزیز امت و روحانیت مبارز را فراموش نکنند و با کار و تلاش خویش در جامعه شرافتمندانه به زندگی روزمره خود ادامه دهند و از برادرانم علی و خداداد و خواهرانم که آنها را ندیده ام خدا حافظی میکنم و از آنها می خواهم که به بزرگواری خودشان مرا ببخشند و همراه از آنان استدعا دارم که پشت جبهه ها را گرم نگه دارند و پیوسته جهت مقابله با منافقین و کوردلان آماده باشند و از کلیه امت حزب ا^۱ و همیشه در صحنه می خواهم در نماز های جمعه و جماعات شرکت فعالانه داشته باشند و با روحانیت مبارز و انقلابی همیشه همکاری داشته باشند. و در همه حال پاسدار خون شهیدان باشند.

والسلام — من الله توفیق

خاطرات

در سال ۱۳۶۱ عملیات رمضان در جبهه کوشک در هنگام پیشروی به سوی دشمن و جنگیدن با آنها زخمی گریده و تعداد ۳ نفر از رزمندگان در قسمت جلو و سپس حرکت آب بسوی آنها و زخمی شدن و گفت که اگر ما برگردیم نا جوانمردی است پس باید تا آخرین قطره خون در برابر دشمن بجنگیم و تا آخرین لحظه نیز میجنگیم . و تا آنکه ارتباط ما با آنها قطع شد و سپس پیشروی تانکهای دشمن و به شهادت رسیدن آنها .

در آخرین لحظات شهادت او می توانست که عقب نشینی کرده و جان خود را نجات دهد ولی او آن کار را نکرد بلکه در پی قطع ارتباط اعلام نمود که نا جوانمردنه است که عقب نشینی کنیم بلکه تا آخرین لحظه آخرین قطره خون خود باید از اسلام دفاع نمود. شهید با پخش کردن اعلامیه در بین مردم و شعار نویسی بر علیه رژیم طاغوت و جمع کردن جوانان و همکلاسیهای خود با رژیم طاغوت به مبارزه می پرداخت .



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران